

در قیامت، علی(ع) میزان بندگی است

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم. ربنا آتانا من لدنک رحمة و هیئی لنا من امرنا رشدا...



گفتاری از مرحوم حجة الاسلام ابوترابی

سرویس دفاع مقدس "تابناک" - مطلب حاضر متن سخنرانی سید آزادگان حجة الاسلام والمسلمین ابوترابی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان 1367 در یکی از اردوگاه های آزادگان ایران در تکریت عراق است که به مناسبت این شب عزیز و با این امید زنده شدن یاد آن روزها در اذهان ما، تقدیم حضور می گردد. امید که در این شب عزیز موجبات بارش برکت، رحمت و مغفرت الهی را بر وجود سراسر گناهان فراهم آورد:

«#;بسم الله الرحمن الرحيم»

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم. ربنا آتانا من لدنک رحمة و هیئی لنا من امرنا رشدا.

قال علی(علیه السلام): «#;کان فی فیما مضی اخ فی الله و کان یعظمه فی عینی صغر الدنیا فی عینه.»

در گذشته، برادری داشتیم که در نظرم بسیار بزرگ می نمود؛ چون دنیا در نظرش کوچک بود. در این ایام پر خیر و برکت و متعلق به مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، امیدوارم روزه شما مقبول و دعای خیرتان مستجاب باشد و به توجهات آن حضرت، به زودی و با سرفرازی به وطن عزیز بازگشته و در سایه اسلام، عمر با عزت و زندگی سرفرازانه ای داشته باشید.

ما با ایمان به خدا و گرایش به مکتب گرانقدر و حیات بخش اسلام یک هدف داریم و آن بندگی ذات اقدس حق و خدمت به این امت اسلام است و در نتیجه، رو سفیدی در پیشگاه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیه السلام) و سربلندی در مقابل وجدان و بندگی خدا.

گرچه این واقعیت در دنیای دیگر و روز حساب و کتاب کاملاً مشخص می گردد ولی در همین دنیا می توان آن را برآورده کرد؛ زیرا به فرموده رسول گرامی (صلی الله علیه و آله)، علی (علیه السلام) در قیامت، میزان و معیار بندگی است و ما در همین دنیا موظفیم خود را با این میزان و معیار ارزیابی کنیم.

خود آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) این مسأله را در بیانات خود آسان نمودند: «#;کان لی فیما مضی اخ فی الله»

حضرت در بین اصحابشان یکی را انتخاب کرده و فرمودند، او برای من برادری با عظمت بود؛ و صفاتی چند از او را بیان داشته و اشاره می کنند که عظمتش در نظر من به جهت برخورداری او از این صفات است و می فرمایند، شما هم بکشید و مسلماً عظمت پیدا کردن در پیشگاه علی (علیه السلام) یعنی همه چیز و برخورداری از همه خیرها و خوبی ها؛ برخورداری از این صفات به معنای پیدا کردن محبوبیت در پیشگاه مولی المتقین علی (علیه السلام) است و این خود روشن ترین معیار است که خود را با آن می توان سنجید.

و اما صفات مورد نظر آن حضرت: «#;کان یعظمه فی عینی صغر الدنیا فی عینه»

او در نظرم بزرگ می نمود، چون دنیا در نظرش کوچک بود.

پس به فرموده علی (علیه السلام) برای عظمت واقعی انسان، نداشتن وابستگی و دلبنندی به دنیا یک امر ضروری است؛ چرا که علی (علیه السلام) با آن چشم واقع بین امامت، نداشتن وابستگی و دلبنندی به دنیا را برای به عظمت رسیدن انسان ضروری و لازم می بیند و اگر مختصری دقت کنیم، واقعیتی هم جز این نخواهد داشت که دلبنندی به دنیا از بزرگترین عوامل بازدارنده انسان از رشد و تکامل و بندگی خداست و باید گفت، این وابستگی؛ یعنی قرار گرفتن در سراسیمگی سقوط.

در این صورت، انحطاط و تباهی حتمی است، مگر اینکه به خود آمده و دلبنستگی به دنیا را تعدیل کنیم؛ که این هم بدون اتکا به خدا کاری است دشوار و بلکه ناشدنی؛ زیرا انسان در این حالت همانند سنگی است که از بلندی به زمین بلغزد و همین گونه وابستگی شدید به دنیا باعث آلودگی است، بدون هیچ تردیدی؛ زیرا دلبنسته به دنیا برا رسیدن به امیال و آرزوهای دانسته و ندانسته، به هر کجا که دستش برسد چنگ می زند، بدین صورت که هدفش رسیدن به دنیاست و حق و باطل مطرح نیست. حال ببینید چنین انسانی چه سرنوشتی خواهد داشت؟

البته گمان نشود که این دلبنندی شدید، انزوا به بار می آورد و موجب عاطل و باطل شدن انسان می گردد؛ بلکه اگر کسی تنها دل از دنیا برید چنین خواهد شد؛ که سرانجام کار هییی هاست که به جزیره لختی ها منتهی گشته و به انتحار و خودکشی می انجامد. ولی آنچه منظور ماست، کنترل شدن علاقه مندی به دنیا و دل بستن به خداست. در این صورت، فعال شدن انسان با صداقت و یا اخلاص در جهت خدمت به انسانهاست.

انسان دلبنسته به دنیا تا دل از دنیا ندارد، روحش قابل رشد و کمال نیست، حتی اگر اهل نماز و روزه باشد و خمس و زکات بپردازد، زیرا تا انسان دل از دنیا نکند، همیشه به دنیا فکر می کند و به دنبال آمال و آرزوهای دنیوی است و نماز تنها برایش فرصت خوبی است برای فکر کردن به امور دنیا و اگر برای حفظ آبرو کمک مالی کند، در همان حال به فکر تأمین کردن چندین برابر جای خالی آن است و با چنین طرز فکری هیچ گاه به فکر خوبی ها و پاکی ها نیست. اگر هم باشد به زبان می گوید، ولی در عمل انجام نخواهد داد.

پس با چنین وابستگی مادی، روح انسان هیچ گاه قابل اصلاح نیست، حتی اگر تمام سال را روزه بگیرد و بیشتر اوقات را به نماز برخیزد؛ چرا که نماز روی آوردن به خدا و آماده شدن برای کارهای خدایی است و دلبنسته به دنیا بدون شک دستش کوتاه از اینهاست؛

زیرا او را کاخ‌هایی است از آمال و آرزوها و با فکر خام در فکر رسیدن به آنهاست، به هر قیمتی که شده، حتی اگر صدها انسان بیچاره را بیچاره‌تر کند و حقوقشان را پایمال نماید؛ حال آنکه پس از تمام این جنایات، به یک هزارم آمال و آرزوهای پیش ساخته خود نخواهد رسید.

تا انسان به دنیا فکر می‌کند، از خدا دور است و از انسان دوستی و خدمت محروم. ولی اگر علاقه‌مندی به دنیا را تعدیل کرد و دل به خدا بست و وظیفه‌شناسی در خدمت به انسان‌ها را پیشه کرد، هم خود زندگی با عزتی خواهد داشت و هم دیگران از پرتو او بهره‌مند خواهند بود و هم در پیشگاه خدا سر بلند است و هم در مقابل وجدان و بندگان خدا رو سفید و هم در این رابطه به تدریج به ارزش واقعی خود خواهد رسید.

بر اساس همین ارزش واقعی است که در پیشگاه علی (علیه السلام) عظمت پیدا می‌کنند و آن حضرت از آنان به عظمت و بزرگی یاد می‌کنند و این گونه افراد، نه تنها در حال نماز رو به خدا آورده، می‌گویند: «وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض»، بلکه در همه حال چون به خدا دل بسته‌اند و خیرخواه مردم‌اند، روی آور به خدا می‌باشند و آنچه را که در نماز به زبان جاری نموده‌اند از زندگی و خدمت و پایداری و استقامت، در زندگی عملاً به آن پایبند بوده و با صداقت و اخلاص در جهت آن گام بر می‌دارند و این نتیجه دل بریدن از دنیا و دل بستن به خدا است.

امیدواریم به حقیقت امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه با این معیار حرکت کرده و به این وسیله تعهد خود را به خدا و وفاداری خود را به مولا علی (علیه السلام) عملاً ثابت کرده و در دنیا و آخرت از توجهات و دعای خیر آن حضرت بهره‌مند باشیم.